ادامه حدیث دوازدهم

امامدر ادامه حدیث دوازدهم با اشاره به آیات متعدد آثار و پیامدهای عدم تعقل را بیان می‌کند که از جمله از آنها:

آثار عدم تعقل

1. **تبعیت و پیروی بی ملاک؛ «وَ إِذٰا قِیلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مٰا أَنْزَلَ اللّٰهُ قٰالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مٰا أَلْفَیْنٰا عَلَیْهِ آبٰاءَنٰا أَ وَ لَوْ کٰانَ آبٰاؤُهُمْ لاٰ یَعْقِلُونَ شَیْئاً وَ لاٰ یَهْتَدُونَ » (بقره 170)**

**و هنگامی که به آنان گفته شود: از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید، می‌گویند: نه، بلکه ما از آنچه پدرانمان بر آن بودند پیروی می‌کنیم؛ آیا اگر پدرانشان چیزی نمی‌فهمیدند و راه نمی‌یافتند باز هم باید از آنان پیروی کنند؟**

1. **به حقیقت و دعوت الهی بی‌توجه‌اند؛ «وَ مَثَلُ الَّذِینَ کَفَرُوا کَمَثَلِ الَّذِی یَنْعِقُ بِمٰا لاٰ یَسْمَعُ إِلاّٰ دُعٰاءً وَ نِدٰاءً صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لاٰ یَعْقِلُونَ » (بقره 171).**

**و مَثَل کافران مانند کسی است که فریاد می‌زند درحالی‌که چیزی جز ندا و فریاد نمی‌شنود، گویی کر و لال و کور است، پس آنان نمی‌اندیشند.**

1. **«وَ مِنْهُمْ مَنْ یَسْتَمِعُونَ إِلَیْکَ أَ فَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَ لَوْ کٰانُوا لاٰ یَعْقِلُونَ ».( یونس 42)**

**و بعضی از آنان به سخنان تو گوش فرامی‌دهند. آیا تو می‌توانی کرها را بشنوایی، هرچند که عقل هم نداشته باشند؟**

1. **«أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَکْثَرَهُمْ یَسْمَعُونَ أَوْ یَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلاّٰ کَالْأَنْعٰامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِیلاً».(فرقان 44).**

**یا آیا تو گمان می‌بری که بیشترشان می‌شنوند یا می‌فهمند؟ آن‌ها جز مانند چهارپایان نیستند، بلکه گمراه‌تر از راه هستند.**

1. **لا یُقاتِلُونَکُمْ جَمیعاً إِلاَّ فی قُرىً مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَراءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَیْنَهُمْ شَدیدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمیعاً وَ قُلُوبُهُمْ شَتَّى ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لا یَعْقِلُون‌( الحشر 14)**

آنان همگی با شما جنگ نخواهند کرد مگر در شهرهایی که استحکامات دارند یا از پشت دیوارها. نزاعشان میان خودشان شدید است. تو گمان می‌بری که آن‌ها متحد هستند، اما دل‌هایشان پراکنده است. این به خاطر آن است که آن‌ها قومی هستند که عقل نمی‌کنند.

1. **«وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَکُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْکِتٰابَ أَ فَلاٰ تَعْقِلُون» (بقره44).**

**آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خودتان را فراموش می‌کنید، درحالی‌که کتاب خدا را می‌خوانید؟ آیا اندیشه نمی‌کنید؟**

1. **قلت و کثرت معیار در نزد عقل نیست؛ «وَ إِنْ تُطِعْ أَکْثَرَ مَنْ فِی الْأَرْضِ یُضِلُّوکَ عَنْ سَبِیلِ اللّٰهِ » (انعام 116).**

اگر از اکثر مردم روی زمین اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می‌کنند.

1. **وَ قَالَ‌: «وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضَ لَیَقُولُنَّ اللّٰهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ بَلْ أَکْثَرُهُمْ لاٰ یَعْلَمُونَ » (لقمان 25).**
2. و اگر از آنان بپرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است، حتماً خواهند گفت: خدا. بگو: حمد و ستایش مخصوص خداست؛ ولی بیشترشان نمی‌دانند.
3. **وَ قَالَ‌: «وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمٰاءِ مٰاءً فَأَحْیٰا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهٰا لَیَقُولُنَّ اللّٰهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ بَلْ أَکْثَرُهُمْ لاٰ یَعْقِلُونَ » (عنکبوت 63).**

* و اگر از آن‌ها بپرسی چه کسی آب باران را از آسمان نازل کرد و به وسیله آن زمین خشک و بی‌جان را زنده کرد، قطعا پاسخ خواهند داد: خدا. بگو: ستایش مخصوص خداست؛ اما بیشترشان حقیقت را درک نمی‌کنند.
* هرگونه شرک و بت‌پرستی، نتیجه بی‌عقلی و عدم استفاده از عقل است.

**یَا هِشَامُ ثُمَّ مَدَحَ الْقِلَّةَ فَقَالَ:**

ای هشام! سپس (قرآن) به مدح قلیل (کم) پرداخت و فرمود:

1. **وَ قَلِیلٌ مِنْ عِبادِیَ الشَّکُورُ**

و اندکی از بندگان من شکرگزارند.

1. **وَ قَالَ وَ قَلِیلٌ ما هُمْ**

و فرمود: و اندک هستند آنان.

1. **وَ قَالَ وَ قالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ یَکْتُمُ إِیمانَهُ أَ تَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ یَقُولَ رَبِّیَ اللَّهُ**

و فرمود: و مردی مومن از خاندان فرعون گفت (در دل خود) ایمان خود را پنهان می‌کند آیا مردی را می‌کشید به این دلیل که می‌گوید پروردگار من الله است؟

1. **وَ قَال - وَ مَنْ آمَنَ وَ ما آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِیلٌ**

و فرمود: و هر کس ایمان آورد، جز تعداد کمی با او ایمان نیاوردند.

1. **وَ قَال - وَ لکِنَّ أَکْثَرَهُمْ لا یَعْلَمُونَ**

و فرمود: ولی بیشترشان نمی‌دانند.

1. **وَ قَالَ وَ أَکْثَرُهُمْ لا یَعْقِلُونَ**

و فرمود: و بیشترشان نمی‌اندیشند.

**صاحبان عقل و خرد**

**یَا هِشَامُ ثُمَّ ذَکَرَ أُولِی الْأَلْبَابِ بِأَحْسَنِ الذِّکْرِ وَ حَلَّاهُمْ بِأَحْسَنِ الْحِلْیَةِ فَقَالَ**

1. **یُؤْتِی الْحِکْمَةَ مَنْ یَشاءُ وَ مَنْ یُؤْتَ الْحِکْمَةَ فَقَدْ أُوتِیَ خَیْراً کَثِیراً وَ ما یَذَّکَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبابِ.**

امام فرمود: ای هشام! سپس از اولوالالباب (صاحبان خرد) به بهترین وجه یادکرد و آنان را به بهترین زیور آراست و فرمود: حکمت را به هر که بخواهد می‌دهد و هر کس به او حکمت داده شود، بی‌تردید خیر فراوانی یافته است و تنها صاحبان خرد یادآور می‌شوند.

1. **وَ قَال - وَ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ یَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ کُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنا وَ ما یَذَّکَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبابِ‌**[[1]](#footnote-1)

و گفت: و راسخون در علم می‌گویند: ایمان آوردیم به آن، همه از جانب پروردگار ماست، و تنها خردمندان یادآور می‌شوند.

1. **وَ قَالَ إِنَّ فِی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْض وَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ وَ النَّهارِ لَآیاتٍ لِأُولِی الْأَلْبابِ‌**[[2]](#footnote-2)

و گفت: همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف شب و روز، نشانه‌هایی است برای خردمندان.

1. **وَ قَالَ أَ فَمَنْ یَعْلَمُ أَنَّما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ الْحَقُّ کَمَنْ هُوَ أَعْمى إِنَّما یَتَذَکَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ‌**[[3]](#footnote-3)

و گفت: آیا کسی که می‌داند آنچه به‌سوی تو از پروردگارت نازل شده حق است، مانند کسی است که نابینا است؟ همانا تنها خردمندان یادآور می‌شوند.

1. **وَ قَالَ أَمَّنْ هُوَ قانِتٌ آناءَ اللَّیْلِ ساجِداً وَ قائِماً یَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَ یَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَ الَّذِینَ لا یَعْلَمُونَ إِنَّما یَتَذَکَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ‌**[[4]](#footnote-4)

و گفت: آیا کسی که شب‌ها به نماز می‌ایستد، سجده می‌کند و قیام می‌ورزد، از آخرت می‌ترسد و به رحمت پروردگارش امیدوار است، با کسی که نمی‌داند برابر است؟ بگو: آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسان هستند؟ همانا تنها خردمندان متذکر می‌شوند.

1. **وَ قَالَ کِتابٌ أَنْزَلْناهُ إِلَیْکَ مُبارَکٌ لِیَدَّبَّرُوا آیاتِهِ وَ لِیَتَذَکَّرَ أُولُوا الْأَلْبابِ‌**[[5]](#footnote-5)**.**

کتابی که بر تو نازل کردیم، پربرکت است تا در آیات آن تدبر کنند و خردمندان متذکر شوند.

1. **وَ قَالَ وَ لَقَدْ آتَیْنا مُوسَى الْهُدى وَ أَوْرَثْنا بَنِی إِسْرائِیلَ الْکِتابَ هُدىً وَ ذِکْرى‌ - لِأُولِی الْأَلْبابِ‌**[[6]](#footnote-6) **.**

و بی‌گمان به موسی هدایت دادیم و به بنی‌اسرائیل کتاب را به ارث دادیم، هدایت و یادآوری بود برای خردمندان.

1. **وَ قَالَ وَ ذَکِّرْ فَإِنَّ الذِّکْرى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِینَ‌**[[7]](#footnote-7)

و تذکر ده، که تذکر به مؤمنان سود می‌رساند.

أولی الألباب

معنای لغوی:

لُبُّ کلِّ شیء خالصه و ما یُنتقی منه و لذلک سمی العقل لُبَّا؛ (مقائیس اللغه)

خالص‌ترین و اصلی‌ترین نقطه انسان عقل است و لب نامیده می‌شود.

عقلی که از پوسته هواوهوس و وهم رها شود را لب می‌گویند.

أوصاف خردمندان (**أُولُوا الْأَلْبٰابِ‌**)

1. أهل تفکر مثبت هستند

**«إِنَّ فِی خَلْقِ السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلاٰفِ اللَّیْلِ وَ النَّهٰارِ لَآیٰاتٍ لِأُولِی الْأَلْبٰابِ » (آل عمران190)**

انسان عاقل در چیزی که نفعی به او نمی‌رساند تقعل نمی­کند؛ **قَالَ رَسُولُ اللَّهِ : "مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْکُهُ مَا لَا یَعْنِیهِ".** از خوبی اسلام شخص آن است که از اموری که به او مربوط نیست، دوری کند.

1. در تمام حالات أهل ذکر هستند

**«أَمَّنْ هُوَ قٰانِتٌ آنٰاءَ اللَّیْلِ سٰاجِداً وَ قٰائِماً یَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَ یَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَ الَّذِینَ لاٰ یَعْلَمُونَ إِنَّمٰا یَتَذَکَّرُ أُولُوا الْأَلْبٰابِ‌».**

1. أهل عبرت هستند

**لَقَدْ کانَ فی قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِی الْأَلْباب‌( یوسف 111)**

1. در داستان‌های پیامبران و افراد صالح گذشته، درس‌ها و عبرت‌های بسیاری نهفته است. افرادی که عقل و فهم دارند می‌توانند از این داستان‌ها پند بگیرند و راه خود را در زندگی پیدا کنند.
2. أهل برائت از دشمنان و ولایت ائمه هدی هستند

**«وَالَّذِینَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ یَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِینَ یَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَیَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَٰئِکَ الَّذِینَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِکَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ» (سوره زمر)**

و کسانی که از پرستش طاغوت اجتناب ورزیدند و به سوی خدا بازگشتند، برای آنان بشارت است. پس به بندگانم بشارت ده که به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را دنبال می‌کنند. آنان کسانی هستند که خداوند آنان را هدایت کرده است و آنان همان خردمندان هستند.

**«إِنَّمَا یَتَذَکَّرُ أُولُواْ ٱلأَلبَٰبِ ٱلَّذِینَ یُوفُونَ بِعَهدِ ٱللَّهِ وَ لَا یَنقُضُونَ ٱلمِیثَٰقَ» (رعد 20)**

1. ( 16) آل عمران: 7. [↑](#footnote-ref-1)
2. ( 1) آل عمران: 190. [↑](#footnote-ref-2)
3. ( 2) الرعد: 20. [↑](#footnote-ref-3)
4. ( 3) الزمر: 9. [↑](#footnote-ref-4)
5. ( 4) ص: 29. [↑](#footnote-ref-5)
6. ( 5) المؤمن، 57 [↑](#footnote-ref-6)
7. ( 6) الذاريات: 55 [↑](#footnote-ref-7)